

دست آوردهای نظریه مشورتی دیوان بین المللی دریاها در حمایت از زیست محیط دریاها

دکتر جواد صالحی

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
Javadsalehi@Pnu.ac.ir

چکیده

حمایت از زیست محیط دریاها از موضوعات اصلی کنوانسیون حقوق دریاها است و مسئولیت حفاظت از آن برعهدهی دولت‌های عضو این کنوانسیون است. از یک طرف شرکت‌های متقاضی باید تحت حمایت دولت‌های عضو کنوانسیون به فعالیتهای اکتشافی و استخراجی از منابع بستر دریاها بپردازند. از طرف دیگر دولتهای حامی برای اطمینان از قانون‌پذیری این شرکتها باید مسئولیت‌ها و تعهداتی را برعهده بگیرند. دولتهای حامی باید اقدامات لازم و مناسبی را نسبت به شرکت‌های متقاضی انجام دهند تا مسئولیت خسارات وارد به زیست محیط دریاها از سوی شرکت‌ها برعهدهی دولتهای حامی قرار نگیرد. از دیدگاه دولت نائورو مصادیق اقدامات لازم و مناسب مدنظر دولت حامی در کنوانسیون حقوق دریاها به وضوح مشخص نیست. بنابراین دولت نائورو برای اولین بار از دیوان بین المللی دریاها درخواست کرد تا با صدور نظریه‌ی مشورتی این مصادیق را شناسایی کند. دست آوردهای این نظریه مشورتی در حمایت از زیست محیط دریاها دارای نوآوری‌هایی است که تحلیل و بررسی آنها موضوع این نوشتار قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: کنوانسیون دریاها، زیست محیط دریاها، نظریه مشورتی، مسئولیت دولت حامی، دیوان بین المللی دریاها.

بیان مسأله

کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲) (زین پس؛ کنوانسیون) اصلی‌ترین سند تدوین ساختار حقوق دریاها و مسائل زیست محیطی آن است. دریا در این کنوانسیون به شش منطقه دریایی تقسیم شده است که چهار منطقه از آن شامل؛ دریای سرزمینی، منطقه‌ی نظارت، منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و فلات قاره تحت صلاحیت دولت ساحلی قرار می‌گیرد و دو منطقه‌ی دیگر آن شامل؛ دریای آزاد و ناحیه (در انتهای فلات قاره از قسمت زیرین) تحت صلاحیت دولت ساحلی قرار نمی‌گیرد. ناحیه بر اساس ماده‌ی ۱ یک کنوانسیون دریاها شامل؛ بستر و کف اقیانوس و زیر آنها است و فعالیت در آن شامل کلیه‌ی فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج منابع آن است (۱). منابع ناحیه به موجب ماده‌ی ۱۳۳ کنوانسیون شامل کلیه منابع معدنی جامد، مایع یا گازی است که در محل اصلی خود در بستر یا زیر بستر دریای ناحیه قرار گرفته‌اند. این منابع که به‌طور عمده به صورت کلوخه‌های چندفلزی هستند، به عنوان معادن دریایی در نظر گرفته می‌شوند. شناسایی ناحیه که برای اولین بار در سخنرانی آروید پاردو (Arvid Pardo)، نماینده‌ی کشور مالت در سازمان ملل متحد در

نشست ۲۲ اجلاس سالانه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ صورت گرفت، دولت‌ها را به اتخاذ رویکردهای مناسب برای جلوگیری از ایراد صدمه به منابع آن جلب کرد. پیشنهاد پاردو این بود که حفظ ناحیه فقط با اهداف صلح دوستانه و استفاده از منابع آن به نفع کل بشریت، خارج از صلاحیت قضایی دولت ساحلی قرار گیرد. برای تحقق این پیشنهاد، رژیم‌ی در کنوانسیون دریاها پایه‌ریزی شد (۲) که ساختار آن تاکنون حفظ شده است.

ناحیه که از آن تحت عنوان «میراث مشترک بشریت» یاد می‌شود (۳)، تحت نظارت و کنترل مقام دریاها قرار گرفته است (۴) که او به نمایندگی از طرف کل بشریت به این مهم می‌پردازد (ر.ک. ماده‌ی (۲) ۱۳۷ کنوانسیون). به همین دلیل بهره‌برداری از منابع ناحیه فقط تحت نظارت و مجوز مقام دریاها امکان پذیر است. مقام دریاها، سازمانی است که از طریق آن کشورهای عضو کنوانسیون فعالیت‌ها از جمله مدیریت منابع را در ناحیه سازماندهی و کنترل می‌کنند (ر.ک. ماده‌ی ۱۵۷). مقام دریاها صلاحیت خود را بر اساس رژیم مذکور در فصل ۱۱ کنوانسیون و توافق‌نامه‌ی اجرایی آن

"صالحی، دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در حمایت از محیط زیست دریاها"

(مصوب ۱۹۹۴) اعمال می‌کند. صدور مجوز از سوی مقام دریاها منوط به حمایت دولت عضو کنوانسیون از متقاضی فعالیت در ناحیه است. بنابراین حمایت از متقاضی فعالیت در ناحیه نیز مشروط به پذیرفتن مسئولیتها و تعهدات دولت حامی و انجام اقدامات لازم و مناسب است تا اینکه مقام دریاها مجوز فعالیت در ناحیه را برای شرکت متقاضی تحت حمایت دولت حامی صادر کند.

مقام دریاها که از سال ۱۹۹۶ حالت اجرایی به خود گرفته است، از سه نهاد اصلی؛ مجمع، شورا و دبیرخانه (ر.ک. ماده‌ی ۱۵۸ کنوانسیون)، دو ارگان ویژه؛ کمیسیون برنامه-ریزی اقتصادی (Finance Committee) و کمیسیون فنی و حقوقی (Legal and Technical Commission) و یک شعبه‌ی حل اختلاف بستر دریاها با ترکیب ۱۱ قاضی تشکیل شده است (ر.ک. ماده‌ی ۱۶۳ کنوانسیون). این شعبه صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از اکتشاف و استخراج منابع ناحیه، اختلاف میان کشور عضو و پیمانکار در تفسیر یا اجرای بخش ۱۱ کنوانسیون، صلاحیت صدور نظریه مشورتی به درخواست مجمع یا شورای مقام در زمینه‌ی کلیه‌ی مسائل حقوق مربوط به فعالیتها را دارد. برای اولین بار در مورخ شش می ۲۰۱۰ از سوی شورای

مقام دریاها به موجب ماده‌ی ۱۹۱ کنوانسیون در رابطه با سؤالهای حقوقی مجمع عمومی مقام یا شورا در رابطه با وظایف مقرر آنها در رابطه با مسائل زیست محیطی فعالیت در دریاها تقاضای صدور نظریه‌ی مشورتی درخواست شده است. شعبه‌ی حل اختلاف بستر دریاها (زین‌پس؛ شعبه) نیز بر اساس مقررات کنوانسیون و دیگر مقررات حقوق بین‌الملل که در تعارض با مقررات کنوانسیون نیست (۵) و همین‌طور آیین‌نامه‌های مصوب مقام دریاها این درخواست را پذیرفته است و نظریه‌ی مشورتی خود را تحت عنوان «مسئولیتها و تعهدات دولت‌های حامی از اشخاص حقیقی و حقوقی برای فعالیت در ناحیه (زین‌پس؛ نظریه مشورتی) صادر کرده است. این نوشتار درصدد است که رویه‌ی شعبه‌ی مذکور در تفسیر مقررات کنوانسیون در رابطه با مسائل زیست محیطی فعالیت در ناحیه را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و دست آوردهای جدید آن را در توسعه‌ی حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها ارائه کند.

الف) از مسئولیت دولتهای عضو تا ارزیابی دولت ناآورو

کنوانسیون ساختار جامعی از مقررات خاص را در خود جای داده است که این مقررات در

۱) مسئولیت دولت‌های عضو در کنوانسیون دریاها

ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون، مسئولیت و تعهد خاصی را برای دولت‌های عضو کنوانسیون در ارتباط با فعالیت شرکت‌های متقاضی تحت حمایت دولت عضو در ناحیه ایجاد می‌کند. مقررات ماده‌ی ۱۳۹ بدون خدشه به قواعد حقوق بین الملل تأکید می‌کند که (۱) دولت‌های عضو باید برای اطمینان از اینکه فعالیت‌ها در ناحیه خواه از سوی دولت‌های عضو، نهادهای دولتی، اشخاص حقیقی و حقوقی و دارای تابعیت دولت عضو یا تحت کنترل آنها یا اتباع داخلی مطابق با مقررات کنوانسیون است، به نظارت بپردازند. و (۲) بدون خدشه به مقررات حقوق بین الملل، خسارات ناشی از قصور دولت‌های عضو یا سازمان‌های بین‌المللی در انجام تعهداتشان باید جبران شوند. با این وجود دولت‌های عضو برای پرداخت خسارات ناشی از قصور موجودیت تحت حمایت تحت شرایط مقررات ماده‌ی (b) (۲) ۱۵۳ مسئولیتی ندارند، مشروط به اینکه کلیه اقدامات لازم و مناسب را برای اطمینان مؤثر از رعایت مقررات ماده‌ی (۴) ۱۵۳ کنوانسیون توسط موجودیت مورد حمایت انجام داده باشند.

کلیت خود در هماهنگی کامل با دیگر مقررات حقوق بین‌المللی است. این کنوانسیون به منظور استقرار ساختار بین‌المللی برای بهره‌برداری عادلانه و مؤثر از منابع دریاها و همین‌طور حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها طراحی شده است. دولت‌های عضو کنوانسیون در رعایت مقررات و اهداف آن دارای مسئولیت هستند. مقررات این کنوانسیون که به تعهدات دولت‌های حمایت‌کننده از فعالیت‌ها در ناحیه می‌پردازد، شامل؛ تعهد بر حفظ رعایت مقررات کنوانسیون توسط موجودیت‌های مورد حمایت و همین‌طور حفاظت و حمایت از زیست محیط دریاها در خلال فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه است. نقض این تعهدات توسط دولت یا موجودیت مورد حمایت دولت عضو از اعمال غیرقانونی است (۶) که بر اساس آموزه‌های حقوق بین الملل موجب مسئولیت دولت حامی می‌شود (۷). مسئولیت دولت حامی برای جبران خسارت‌های ایجاد شده ناشی از قصور موجودیت‌های تحت حمایت از بکارگیری مقررات کنوانسیون ناشی از مقررات مسئولیت‌آور مواد ۱۳۹ و ۲۳۵ کنوانسیون و ماده‌ی (۴) ۴ پیوست شماره‌ی سه (زین‌پس؛ پیوست) آن است.

دولت‌های حامی مسئولیت دارند که فعالیت‌های موجودیت‌های مورد حمایت در ناحیه منطبق با مقررات کنوانسیون باشد. در کنوانسیون تلاش شده است که توسعه‌ی منابع در ناحیه مدنظر قرار گیرد. دولت‌ها یا اشخاص مورد حمایت دولت عضو باید از مقام دریاها مجوز برنامه‌ی کاری اکتشاف و بهره‌برداری منابع در ناحیه را به موجب مقررات مواد (b) (۲) ۱۵۳ و (۳) ۱۵۳ کنوانسیون دریافت نمایند. مقام دریاها کنترل-های لازم را بر کلیه‌ی فعالیت‌ها در ناحیه اعمال می‌کند تا اینکه رعایت مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون، دستورالعمل‌ها و رویه‌های معمول مقام دریاها و برنامه‌ی کاری مصوب شده تضمین شود. در این شرایط دولت‌های عضو باید مقام دریاها را با اتخاذ کلیه‌ی اقدامات لازم و مناسب برای اطمینان از رعایت مقررات ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون مساعدت نمایند.

دولت‌های حامی برای اطمینان از انطباق فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون دارای مسئولیت کلی هستند. پیمانکاران مورد حمایت از سوی این دولت‌ها باید برنامه‌ی کاری خود را برای انجام فعالیت در ناحیه به تأیید مقام دریاها برسانند. مقام دریاها از این طریق کنترل مستقیمی بر

فعالیت پیمانکاران دارد تا اینکه از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون انحرافی نشود. دولت حامی در راستای تحقق مسئولیت کلی باید برای اطمینان از هماهنگی فعالیت‌های پیمانکاران با مقررات ماده‌ی (۴) ۱۵۳ نیز اقداماتی را اتخاذ نماید. دولت حامی باید از طریق مقررات داخلی زمینه را برای فعالیت پیمانکاران به نحوی رقم بزند که فعالیت‌های آنها در ناحیه منطبق با مقررات کنوانسیون باشد. در عین حال مسئولیت تصویب قوانین داخلی ملازمه با مسئولیت اجرای آن دارد، تا اینکه زمینه‌ی معطل ماندن قوانین تصویب شده برای ملزم کردن پیمانکار در فعالیت در ناحیه بر اساس مقررات کنوانسیون فراهم نشود.

ماده‌ی ۲۳۵ کنوانسیون قواعد کلی در ارتباط با تعهدات گسترده‌ی کنوانسیون در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها را ایجاد می‌کند (از جمله اینکه؛ ۱) دولت‌ها مسئول اجرای تعهدات خویش در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها هستند و در صورت نقض این تعهد باید خسارات آن را بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل متحمل شوند؛ ۲) دولت‌ها باید در به روزرسانی سیستم قانونی خود برای پرداخت خسارات کافی و فوری یا دیگر اشکال جبران خسارت در رابطه با

آلودگی زیست محیط دریاها از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت خود تلاش کنند و ۳) با هدف اطمینان از پرداخت خسارات کافی و فوری در رابطه با آسیب‌های ناشی از آلودگی زیست محیط دریاها، دولت‌ها باید در اجرای مقررات حقوق بین الملل موجود و توسعه‌ی بیشتر حقوق بین المللی در ارزیابی و پرداخت خسارات آسیب‌های وارده به زیست محیط دریاها با یکدیگر همکاری نمایند. پیوست شماره‌ی سه کنوانسیون (زین-پس؛ پیوست) شرایط لازم برای معدن کاوی، اکتشاف و استخراج در ناحیه را اعلام می‌کند. ماده‌ی چهار این پیوست کیفیت تقاضانامه‌های فعالیت در ناحیه را مشخص می‌کند. ماده‌ی ۴) چهار این پیوست شرایط لازم برای موجودیت‌های تحت حمایت از جمله پیمانکاران را این گونه اعلام می‌کند که دولت حامی باید بر اساس مقررات ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون مطمئن شود که بر اساس نظام قانونی خود می‌تواند پیمانکار تحت حمایت را منطبق با شروط قرارداد و تعهدات مقرر در کنوانسیون ملزم به فعالیت در ناحیه نماید. دولت حامی نباید مسئول خسارات ناشی از قصور پیمانکار تحت حمایت از تعهداتش در کنوانسیون باشد، اگر قوانین و مقررات لازم را تصویب کرده باشد و اقدامات اجرایی مناسبی

را در چارچوب نظام حقوقی داخلی به نحوی به کار گرفته باشد که به طور معقول برای اطمینان از قانون‌پذیری اشخاص موجودیت-های متقاضی فعالیت در ناحیه کافی باشد.

۲) ارزیابی‌های دولت نائورو برای درخواست نظریه‌ی مشورتی

شرکت منابع دریایی نائورو (زین‌پس؛ شرکت) برای به اجرا گذاشتن طرح خود در اکتشاف کلوخه‌های چندفلزی (Polymetallic nodules) در ناحیه، از دولت جمهوری نائورو تقاضای حمایت می‌کند. دولت نائورو با اشراف به اینکه که مسئولیت تمام فعالیت‌های متقاضی در اکتشاف و استخراج منابع در ناحیه توسط برعهده‌ی وی است (۸)، اعلام می‌کند که مانند دیگر کشورهای در حال توسعه، این دولت هنوز تکنولوژی یا منابع مالی معدن‌کاوی بستر دریاها را در اختیار ندارد. از این رو ممکن است اولین تجربه‌ی معدن‌کاوی نائورو از سوی این شرکت خسارات زیست محیطی در برداشته باشد. تحت این شرایط که مسئولیت خسارات احتمالی زیست محیطی دریاها ناشی از فعالیت این شرکت در ناحیه برعهده‌ی دولت حامی پیمانکار است، دولت نائورو توان اقتصادی جبران این خسارات را ندارد (۹).

در این شرایط دولت نائورو با فرض اینکه بتواند برای محدود کردن مسئولیت خود در

"صالحی، دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در حمایت از محیط زیست دریاها"

جبران هر نوع خسارات احتمالی گام‌های مشخصی بردارد، در نهایت تقاضای شرکت متقاضی فعالیت در ناحیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. دولت در این وضعیت استدلال می‌کند برای جلوگیری از مسئولیت احتمالی نائورو در جبران خسارات زیست محیط، منطقی است که جوانب کار با دقت سنجیده شود. نائورو پس از بررسی تقاضای این شرکت و مطابقت دادن مسئولیت‌های خود در قبال فعالیت‌های این شرکت در ناحیه با مقررات کنوانسیون تصمیم می‌گیرد که قبل از اعلام هرگونه حمایت از تقاضای این شرکت، اقدامات لازم و مؤثری را بر اساس تعهدات خود در کنوانسیون انجام دهد. به باور نائورو ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون اگرچه تصریح کرده است که خسارات ناشی از قصور دولت عضو در انجام مسئولیت‌هایش بر اساس مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون مسئولیت‌آور است، ولی در انتها افزوده است که دولت عضو نسبت به خسارت ناشی از کوتاهی شخص مورد حمایت در رعایت مقررات مسئولیت ندارد، «مشروط به اینکه دولت عضو اقدامات لازم و مناسب را برای تضمین رعایت مؤثر این مقررات به‌عمل آورده باشد» (ر.ک. ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون). از این رو دولت نائورو تصور می‌کند که اگر بتواند اقدامات لازم و

مؤثری برای اطمینان از قانون‌پذیری شرکت متقاضی از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون ایجاد کند، دیگر هیچ مسئولیتی برای خسارات احتمالی ایجاد شده به موجب کوتاهی این شرکت از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون برعهده‌ی دولت نائورو نیست. لیکن مشخص نبودن مصادیق اقدامات لازم و مناسب در کنوانسیون، دولت نائورو را دچار سردرگمی و تردید می‌سازد. از این رو دولت نائورو تصمیم می‌گیرد قبل از حمایت در رابطه با «اقداماتی که دولت حامی باید انجام دهد» و «استانداردهای مدنظر برای ترویج حمایت و حفاظت از زیست محیط ناحیه» از دیوان بین‌المللی دریاها تقاضای صدور نظریه‌ی مشورتی نماید. لیکن تقاضای صدور نظریه‌ی مشورتی مطابق مقررات کنوانسیون فقط از سوی مجمع یا شورای دیوان بین‌المللی دریاها صورت می‌گیرد. بنابراین نائورو تقاضای خود را به شورای مذکور تقدیم می‌کند. تقاضای نائورو که ناشی از ملاحظات ابراز شده او در رابطه با مسئولیت احتمالی ناشی از قصور شرکت متقاضی از الزامات فصل ۱۱ کنوانسیون و ایجاد خسارت شدید به محیط زیست دریاها ناحیه است (۱۰)، از سوی شورا مثبت ارزیابی می‌شود.

مشورتی خود را در مورخ یک فوریه ی ۲۰۱۱ صادر کند (۱۳).

ب) از رویه ی شعبه تا دست‌آوردهای جدید نظریه ی مشورتی

تصویب کنوانسیون برای استفاده از منابع ناحیه، با الویت حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها هدف گذاری شده است. دولت-های عضو کنوانسیون در حمایت و حفاظت زیست محیط دریاها دارای مسئولیت هستند (ر.ک. ماده ی ۱۹۲ کنوانسیون). تعادل میان استفاده از منابع و حفاظت زیست محیط دریاها با اتکای به تفسیر برخی از مقررات کنوانسیون قابل حصول است، همچنان درخواست شورای دیوان بین‌المللی دریاها از شعبه ی حل اختلاف بستر دریاها برای ارائه ی نظریه مشورتی در همین راستا است. این نظریه برای تفسیر واحد از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون راجع به حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها ضمن بهره‌برداری از منابع آن درخواست شده است.

شعبه در تفسیر وضعیت حقوقی دولت حامی تأکید می‌کند که هدف از ضرورت حمایت دولت عضو از فعالیت در ناحیه، اطمینان از قانون‌پذیری موجودیت‌های تحت صلاحیت سیستم‌های حقوقی داخلی است (۱۳). از این جهت حمایت از پیمانکار باید از سوی دولت

پس از تأسیس شعبه ی حل اختلاف بستر دریاها، این اولین مرتبه‌ای است که تقاضای دولت عضو از طریق شورا برای صدور نظریه-ی مشورتی به این شعبه واصل می‌شود. شورا بر اساس هدف نائورو از شعبه ی مذکور درخواست می‌کند تا طی نظریه ی مشورتی به موضوع اصلی مسئولیت دولت حامی در جبران خسارات زیست محیط دریاها بپردازد (۱۱). بنابراین از شعبه ی مذکور درخواست می‌شود که در نظریه ی مشورتی (البته در این درخواست سه سؤال مطرح می‌شود که بررسی و تحلیل دست‌آوردهای نظریه ی مشورتی تنها نسبت به سئوالات اول و سوم موضوع این نوشتار است). پاسخ دهد که نخست؛ مسئولیت‌ها و تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون در حمایت از فعالیت‌ها در ناحیه بر اساس مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامه ی اجرایی (مصوب ۱۹۹۴) آن چیست؟ و دوم اینکه؛ منظور از اقدامات لازم و مناسب دولت حامی به موجب مسئولیت مقرر در ماده ی ۱۳۹ کنوانسیون، پیوست و موافقت‌نامه اجرایی آن چیست؟ (۱۲) جلسات استماع تقاضای نظریه ی مشورتی در مورخ های ۱۶-۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰ در برابر ۱۱ قاضی شعبه برگزار می‌شود تا اینکه در نهایت شعبه در پاسخ به این سؤال‌ها اولین نظریه ی

"صالحی، دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در حمایت از محیط زیست دریاها"

متبوع وی صورت گیرد، اگرچه تابعیت پیمانکار تنها معیار مورد توجه کنوانسیون نیست. چراکه اگر پیمانکار دارای تابعیت یک دولت باشد، ولی تحت کنترل اتباع دولت دیگر قرار گیرد، حمایت دولت اخیر نیز لازم است. شعبه در معرفی فعالیت‌ها در ناحیه نیز بر اساس مقررات کنوانسیون و آیین‌نامه‌های مقام دریاها، این فعالیت‌ها را دربرگیرنده‌ی تحصیل مواد معدنی از بستر دریا، آوردن آن بر سطح آب، تخلیه‌ی آب از مواد معدنی، جداسازی مواد معدنی فاقد ارزش و رهاسازی آن در دریاها و ... اعلام می‌کند (۱۱).

در عین حال دولت‌های عضو پذیرفته‌اند که به موجب مقررات فصل ۱۲ کنوانسیون تعهدات ویژه‌ای را در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها برعهده گیرند. بنابراین مقررات فصل ۱۲ کنوانسیون قابل تعمیم به دولت‌های حامی است تا اینکه برنامه‌ی کاری شرکت‌های مورد حمایت را برای بهره‌برداری از منابع ناحیه مطابق مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون تنظیم کنند و با رعایت این مقررات از مسئولیت مقرر در ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون در جبران خسارات احتمالی زیست محیط دریاها بری شوند. بنابراین دولت حامی باید برای اطمینان از تطابق فعالیت‌های شرکت مورد حمایت در ناحیه با مقررات فصل ۱۱

کنوانسیون (رک. ماده‌ی (۱) ۱۳۹ کنوانسیون) باید متعهد بر حفاظت و حمایت از زیست محیط دریاها باشد. مقام دریاها نیز در این رابطه وظیفه دارد با توجه به فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه از اتخاذ اقدامات حمایتی مؤثر دولت حامی از زیست محیط دریاها اطمینان حاصل نماید (رک. ماده ی ۱۴۵ کنوانسیون).

شعبه تحت این شرایط سؤال اول را مربوط به محتوی تعهدات دولت حامی در کنوانسیون و سؤال دوم (در اینجا) را مربوط به اجرای این تعهدات می‌داند. لیکن پاسخ به سئوالات مطروح از شعبه در رابطه با محتوی و اجرای تعهد دولت حامی مستلزم تفسیر مواد (۲) ۱۳۹ و (۴) ۱۵۳ کنوانسیون و ماده‌ی (۴) ۴ پیوست آن است. در عین حال تفسیر این مقررات واجد پیچیدگی‌هایی است که ناشی از برخی شباهات یا ارتباط میان آنها است. در رابطه با نوع اقداماتی که لازم است دولت حامی اتخاذ نماید، اختلاف‌هایی مشهود است. در ماده‌ی (۲) ۱۳۹ کنوانسیون به «کلیه ی اقدامات لازم و مناسب»، در ماده‌ی (۴) ۱۵۳ کنوانسیون به «کلیه ی اقدامات لازم» و در ماده‌ی (۴) ۴ پیوست آن به «اقدامات به طور منطقی مناسب» اشاره شده است. علاوه بر این تفاوت‌ها، ارجاعاتی در این مواد وجود دارد که می‌توان

به ارجاع ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون به ماده‌ی (۴) ۱۵۳ کنوانسیون و ماده‌ی (۴) ۴ پیوست آن و همین‌طور ارجاع آن مواد به ماده‌ی ۱۳۹ کنوانسیون اشاره کرد (۱۴). با این وجود هدف شعبه از صدور نظریه مشورتی شناسایی دقیق محتوی تعهدات دولت حامی در رابطه با فعالیت‌های پیمانکار مورد حمایت در ناحیه است. بنابراین شعبه ابتدا به تفسیر عبارت «مسئولیت تضمین» مصرح در ماده‌ی (۱) ۱۳۹ کنوانسیون راجع به ضرورت انطباق فعالیت‌ها در ناحیه با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون می‌پردازد (۱۳). شعبه سپس نتیجه می‌گیرد که «مسئولیت تضمین» واجد مفهوم تعهد دولت حامی برای اطمینان از قانون‌پذیری پیمانکار مورد حمایت است. بنابراین مسئولیت دولت حامی به جبران خسارات احتمالی زیست محیط دریاها محدود به مواردی است که اقدامات اطمینان بخشی بر قانون‌پذیری پیمانکار مورد حمایت صورت نگرفته است.

۱) مسئولیت و تعهدات دولت عضو کنوانسیون در حمایت از زیست محیط دریاها

دولت حامی «متعهد به تضمین رعایت شروط قرارداد و تعهدات مقرر در کنوانسیون و لوازم آن از سوی پیمانکار مورد حمایت دولت است» (۱۳) و تضمین دولت حامی از منظر شعبه به معنای تعهد به نتیجه نیست، بلکه

دولت متعهد است که با در نظر گرفتن ابزارهای کافی، اعمال تلاش‌های ممکن و حداکثر تلاش به نتیجه دست یابد. شعبه این نوع از تعهد دولت را بر حسب ادبیات معمول در حقوق بین الملل تعهد به رفتار یا «اقدام مقتضی» (Due Diligence) نام‌گذاری می‌کند. قضات شعبه تعهد به تضمین را به مفهوم اقدام مقتضی ارتباط می‌دهند و در تأیید صحت آن به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ استناد می‌کنند (۱۵). اگرچه قضات شعبه استدلال می‌کنند که تعریف محتوی اقدام مقتضی در عبارات دقیق به سختی امکان‌پذیر است، لیکن تلاش می‌کنند که برای محدود کردن مرزهای آن، چارچوبی کلی از آن ارائه دهند. بنابراین با این هدف شعبه ابتدا محدودیت‌های تعهد را وابسته به خطرپذیری فعالیت در ناحیه معرفی می‌کند که این خطرپذیری با ماهیت و هدف فعالیت در ناحیه قابل شناسایی است. این رویکرد ممکن است در دیگر تعهدات نسبت به اعمال حقوق زیست محیط بین الملل تأثیرگذار باشد (۱۶). این تعهد که برای اطمینان از قانون‌پذیری پیمانکار است، از سوی دولت حامی به اجرا گذاشته می‌شود و هرگز به این معنا نیست که «هر نقض تعهدی از سوی پیمانکار مورد حمایت، موجب

مسئولیت دولت حامی باشد» (۱۳). در عین حال که دولت حامی باید حداکثر تلاش خود را برای قانون‌پذیری پیمانکار مورد حمایت انجام دهد، ولی او نسبت به نتایج احتمالی آن متعهد نیست.

معیار اقدام مقتضی مدنظر شعبه برای انجام تعهدات دولت حامی با چالش‌هایی همراه است. قضات توصیف محتوای اقدام مقتضی را در عبارات خاص ناممکن معرفی می‌کنند (۱۳). اقدام مقتضی از نظر آنها واجد مفهوم متغیری است که ممکن است در زمان و بر اساس سطح خطرپذیری و نوع فعالیت‌ها در ناحیه متفاوت باشد. فعالیت‌های در ناحیه مربوط به انواع مختلف مواد معدنی است که این تنوع ممکن است استانداردهای متفاوتی از اقدام مقتضی را نیاز داشته باشد تا جایی که استاندارد اقدام مقتضی در فعالیت‌های پرمخاطره‌تر به مراتب شدیدتر است. بنابراین هیچ استاندارد واحدی برای معرفی اقدام مقتضی وجود ندارد. با این وجود تعهد به اقدام مقتضی، مستلزم اقدام دولت حامی بر اساس مقررات کنوانسیون و پیوست آن است.

اگر دولت حامی کلیه اقدامات بر اساس الزامات مقرر در ماده‌ی ۴(۴) پیوست انجام دهد، در حقیقت او تعهد خود به اقدام مقتضی را انجام داده است و دیگر نمی‌توان او را برای

خسارات وارد شده از سوی پیمانکار مورد حمایت مسئول دانست. تحت این شرایط مسئول نبودن دولت حامی به خاطر این نیست که مانع از قانون شکنی پیمانکار مورد حمایت شده است، بلکه به این خاطر است که او بر اساس مقررات کنوانسیون تعهد خودش را انجام داده است. بنابراین بر اساس مقررات ماده‌ی ۱۳۹ برای دولت حامی مسئولیتی ایجاد نشده است (۱۷).

با این همه محتوی تعهد به اقدام مقتضی از سوی دولت‌ها در تعهدات مستقیم دولت‌های حامی جلوه می‌یابد. این نتیجه‌گیری جان کلام نظریه مشورتی است که باعث می‌شود زوایای پنهان ارتباط میان اقدام مقتضی و تعهدات مستقیم دولت حامی از پیمانکار مورد حمایت برای فعالیت در ناحیه روشن شود. اولین تعهد دولت حامی، همکاری با مقام دریاها است. دولت حامی موظف است از طریق اقدام مقتضی با مقام دریاها همکاری نماید. دولت حامی متعهد به همکاری مستقیم با مقام دریاها در کنترل فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه است که این همکاری از طریق «تعهد به اعمال شیوه‌های زیست محیطی، تعهد به اتخاذ اقدامات اطمینان بخش از اجرای مقررات در زمان صدور دستور فوری مقام برای حمایت از زیست محیط دریاها، تعهد به تأمین منابع

جبران خسارت در فرض آسیب‌های ناشی از آلودگی» (۱۳) صورت می‌گیرد. این تعهدات در حقوق زیست محیط بین الملل مسبوق به سابقه است (۸). لیکن با این وجود این تعهدات مستقل از تعهد اقدام مقتضی است. از این حیث به نظر می‌رسد که رویکرد شعبه بر استفاده از حقوق بین الملل عرفی در آرا خود است (۱۳). تعهد دوم دولت حامی اتخاذ رویکرد احتیاطی است. این رویکرد احتیاطی در مقررات مربوط به اکتشاف و استخراج سولفیدها (۱۸) و کلوخه‌های معدنی (۱۹) مشهود است. قضات شعبه توجه به اقدامات احتیاطی را از چالش‌های حقوق بین الملل می‌دانند (۲۰). تحت این شرایط دولت‌های حامی نباید بکارگیری اقدام احتیاطی را به عنوان یک ابزار سیاسی، بلکه باید به عنوان یک هنجار حقوق مدنظر قرار دهند. دولت‌های حامی در اتخاذ عنصر احتیاطی در قالب اقدام مقتضی تلاش می‌کنند که از بروز آثار منفی فعالیت در ناحیه جلوگیری کند. شعبه در تشریح رویکرد احتیاطی تأکید می‌کند اگرچه اجرای آیین‌نامه‌های مصوب مقام دریاها جلوه‌ای از رویکرد احتیاطی است، لیکن رویکرد احتیاطی تنها محدود به این مورد نیست. چراکه ماهیت درونی تعهد کلی دولت حامی بر انجام اقدام مقتضی نیز جلوه‌ای از رویکرد

احتیاطی است. همکاری دولت حامی در پیوستن به معاهدات بین‌المللی که می‌تواند آغازی برای عرفی کردن آن باشد، خود یک رویکرد احتیاطی است. از مصادیق دیگر رویکرد احتیاطی، «ارزیابی تأثیر زیست محیطی» (Impact Environmental Assessment) است. از منظر شعبه تعهد دولت حامی به انجام ارزیابی تأثیر زیست محیطی، از تعهدات مستقیم دولت به موجب مقررات کنوانسیون است، در عین حال که از منظر دیوان بین المللی دادگستری در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ این ارزیابی از تعهدات عام دولت در حقوق بین‌الملل عرفی است (۱۵). شعبه در برخورد با مسأله‌ی ارزیابی تأثیر زیست محیطی ابتدا خاطرنشان می‌کند بر اساس بخش ۱(۷) پیوست توافق نامه (مصوب ۱۹۹۴) دولت حامی به موجب اقدام مقتضی مکلف به انجام ارزیابی تأثیر زیست محیطی است. روشن است که رویکرد شعبه از تعهد مستقیم دولت حامی دربرگیرنده‌ی تعهد اقدام مقتضی گسترده‌تر است. از این حیث دولت حامی و پیمانکار موظف به تدوین برنامه‌های نظارتی در همکاری با مقام دریاها هستند. تعهد به نظارت مستمر بر فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه با توجه به حقوق محیط زیست، استاندارد و قانون جدید است که نه

فقط تا زمان انجام فعالیت، بلکه تا مدت‌ها پس از اتمام فعالیت‌ها نیز باید ادامه یابد. شعبه در این رابطه به رویه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ استناد می‌کند (۱۳). تحت این شرایط موضوعات ارزیابی به موجب مقررات و پیشنهادات مصوب از سوی مقام دریاها مشخص می‌شود.

۲) اقدامات لازم و مناسب دولت حامی در

حفاظت از زیست محیط دریاها

سؤال دوم در رابطه با اقدامات دولت حامی است که باید در راستای تعهد به اقدام مقتضی انجام شود. شعبه اعتقاد دارد «نشانه‌هایی در کنوانسیون برای انجام تعهدات مستقیم دولت حامی وجود دارد» (۱۳). از این حیث ماده‌ی ۴(۴) پیوست تا حدودی می‌تواند نوع و محتوی اقدامات لازم و مناسب از سوی دولت حامی را پوشش دهد:

۱) اقدامات باید در قالب قوانین، آیین‌نامه‌ها و اقدامات اجرایی باشند. بنابراین صرف تصویب قوانین و آیین‌نامه‌ها کفایت نمی‌کند، بلکه باید با اقدامات اجرایی مناسبی همراه شود (۲۱). وجود این قوانین و آیین‌نامه‌ها و اقدامات اجرایی برای انجام تعهد اقدام مقتضی از سوی دولت حامی ضروری است. دولت حامی فقط با فراهم کردن مقدمات قرارداد حمایت از

پیمانکار نمی‌تواند تعهدات خود را انجام دهد. دولت حامی باید در سطح ملی زمینه‌ی اقدام مقتضی را فراهم کند تا اینکه به محض تأیید قرارداد فعالیت در ناحیه از سوی مقام دریاها به اجرا گذاشته شوند. این اقدامات باید در برگیرنده‌ی تعهدات پیمانکار، ولو پس از تکمیل مرحله‌ی اکتشاف باشد. بنابراین این اقدامات باید به‌طور مداوم مورد بازنگری قرار گیرند تا اینکه از استانداردهای مذکور برخوردار باشند.

۲) کنوانسیون تعیین اقدامات لازم برای رفع مسئولیت از دولت حامی را به خود دولت حامی واگذار کرده است. بنابراین ابعاد و محتوی قوانین، آیین‌نامه‌ها و اقدامات اجرایی بر اساس سیستم حقوقی دولت حامی تنظیم می‌شود. لیکن این اقدامات در قالب سیستم حقوقی باید به‌طور منطقی متناسب باشند تا اینکه اجرای آن از سوی افراد تحت صلاحیت دولت تضمین شوند. این الزام در رابطه با تأثیر یا محتوی اقدامات اتخاذی از سوی دولت حامی است. با این وجود دولت حامی در تعیین اقدامات لازم اختیار مطلق ندارد، بلکه این اقدامات باید بر اساس مقررات مواد ۱۵۷ و ۳۰۰ کنوانسیون یعنی توأم با حسن نیت باشند. لازم است که دولت حامی گزینه‌های

متفاوتی را برای حفظ منافع بشریت مد نظر قرار دهد و سپس بهترین آنها را انتخاب کند. (۳) قوانین، مقررات و اقدامات اجرایی دولت حامی باید در کل دوره اجرای قرارداد پیمانکار با مقام اعمال شود. از این رو دولت حامی نمی‌تواند ادعا کند که مسئولیت او تا زمان تنظیم قرارداد با پیمانکار بوده است و پس از آن نسبت به فعالیت‌های پیمانکار هیچ تعهدی ندارد. اگرچه تشخیص دولت در اتخاذ اقدامات اجرایی با توجه به معیارهای سیستم قانونی متبوع مورد تأیید شعبه است، اما این رویکرد هرگز به معنای مطلق نبودن مسئولیت دولت در اتخاذ استانداردهای قابل اجرا در رابطه با اقدامات اجرایی معمول نیست. دولت حامی مسئول است که اقدامات اجرایی را در یک چارچوب منطقی اعمال کند. قضات شعبه در یک الگوی کلی خاطرنشان می‌کنند که دولت حامی نباید زیر بار مسئولیت شروطی از قرارداد پیمانکار برود که در تعارض با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون است، مگر اینکه این شروط موضوع قوانین زیست محیطی سختگیرانه‌تری از مقررات مصوب مقام دریاها قرار گرفته باشد (ر.ک. ماده‌ی (۳) ۲۱ پیوست).

نتیجه‌گیری

کنوانسیون حقوق دریاها در بهره‌برداری از منابع ناحیه، قبل از هر چیز الویت را بر

حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها قرار داده است. در تحقق این هدف مسئولیت و تعهداتی را برای دولت‌های عضو خود در نظر گرفته است. کنوانسیون حقوق دریاها متقاضیان فعالیت اکتشاف و استخراج منابع در ناحیه را مکلف کرده است که تقاضای خود را تحت حمایت دولت عضو کنوانسیون به مقام دریاها بدهد و مجوز فعالیت در ناحیه را دریافت کند. لیکن حمایت دولت عضو کنوانسیون مستلزم اقدامات لازم و مناسبی است تا به موجب آن اطمینان از قانون‌پذیری شرکت متقاضی از مقررات کنوانسیون، پیوست و موافقت‌نامه‌ی اجرایی آن فراهم شود. اتخاذ این اقدامات موجب رفع مسئولیت از دولت حامی است و مسئولیت جبران خسارات زیست محیطی ناشی از قصور شرکت متقاضی را برطرف می‌سازد. دولت نائورو از اعضای کنوانسیون دریاها برای اولین بار شناسایی این مسئولیت و تعهدات و همچنین مصادیق اقدامات لازم و مناسب را از شعبه‌ی حل اختلاف بستر دریاها درخواست کرده است. شعبه‌ی مذکور نیز طی نظریه مشورتی به دو سوال چیستی (۱) مسئولیت و تعهدات دولت-های عضو و (۲) مصادیق اقدامات لازم و مناسب پرداخته است. قضات شعبه در تشریح مسئولیت و تعهدات دولت‌های عضو (موضوع

سوال اول در اینجا) به موضوع «مسئولیت تضمین» دولت عضو پرداخته‌اند. قضات شعبه این عبارت را واجد مفهوم تعهد دولت حامی برای اطمینان از قانون‌پذیری پیمانکار مورد حمایت شناسایی کرده‌اند و مسئولیت دولت حامی به جبران خسارات احتمالی زیست محیط دریاها را محدود به مواردی ساخته‌اند که اقدامات اطمینان بخشی بر قانون‌پذیری پیمانکار مورد حمایت صورت نگرفته است. آنها با این همه این مسئولیت را از نوع تعهد به نتیجه ندانسته‌اند، بلکه آن را مقید به اعمال تلاش‌های ممکن و حداکثر تلاش دولت عضو معرفی کرده‌اند تا نتیجه‌ی قانون‌پذیری شرکت متقاضی را فراهم کند. قضات شعبه سپس این تعهد را به مفهوم «اقدام مقتضی» پیوند زده‌اند و تعهد دولت حامی به اقدام مقتضی را مستلزم اقدام بر اساس مقررات کنوانسیون و پیوست آن اعلام کرده‌اند. قضات شعبه سپس مصادیق اقدام مقتضی را در تعهدات مستقیم دولت حامی شامل؛ ۱) همکاری با مقام دریاها از طریق اقدام مقتضی در کنترل فعالیت‌های در حال انجام در ناحیه که با تعهد به اعمال شیوه‌های زیست محیطی، تعهد به اتخاذ اقدامات اطمینان بخش از اجرای مقررات در زمان صدور دستور فوری مقام دریاها برای

حمایت از زیست محیط دریاها، تعهد به تأمین منابع جبران خسارت در فرض آسیب‌های ناشی از آلودگی صورت می‌گیرند، ۲) اتخاذ رویکرد احتیاطی مشهود در مقررات مربوط به اکتشاف و استخراج کلوخه‌های معدنی برای جلوگیری از بروز آثار منفی زیست محیطی فعالیت در ناحیه و ۳) ارزیابی تأثیر زیست محیطی فعالیت در ناحیه مطابق مقررات و پیشنهادات مصوب از سوی مقام دریاها شناسایی کرده‌اند. علاوه بر این قضات شعبه اقدامات لازم و مناسب از سوی دولت‌های عضو (موضوع سؤال دوم در اینجا) را شامل؛ ۱) اقدامات در قالب قوانین، آیین‌نامه‌ها و اقدامات اجرایی مشروط به بازنگری مستمر، ۲) اتکای اقدامات لازم و مناسب بر حسن نیت دولت حامی و حفظ بیشترین منافع بشریت و ۳) اعمال قوانین، مقررات و اقدامات اجرایی دولت حامی در کل دوره‌ی اجرای قرارداد پیمانکار با مقام تبیین می‌کنند و در نهایت نتیجه می‌گیرند که هر دولتی که مسئولیت و تعهدات و اقدامات لازم و مناسب مذکور را انجام دهد، مسئول جبران خسارات زیست محیطی وارده شده از سوی پیمانکار مورد حمایت نیست.

References

منابع مورد استفاده

۱. ضیائی بیگدلی م. (۱۳۸۷). حقوق بین الملل عمومی، چ ۳۶، گنج دانش، تهران.
2. **Ribeiro M.C.(2013).** What is the Area and the International Seabed Authority? , Fiches thématiques, Institut océanographique, Fondation Albert 1er, Prince de Monaco, Available at: <http://institutocéan.org/images/articles/documents/1367593542.pdf>: 1-4.
3. **Churchill R. and Lowe V. (1999).** The Law of the Sea, 3rd. Manchester University Press, Juris Publishing, Manchester: 370.
4. **Franckx E. (2010).** The International Seabed Authority and the Common Heritage of Mankind: The Need for States to Establish the Outer Limits of their Continental Shelf, International Journal of Marine and Coastal Law. 25: 543-567.
5. **Ndiaye T. (2010).** The Advisory Function of the International Tribunal for the Law of the Sea, Chinese Journal of International Law. 9: 565-587.
6. **Case Concerning LaGrand (Germany v. United States of America). (2001).** I.C.J. Reports, Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/104/8552.pdf>: 1-197.
7. **Case Concerning Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia). (1997).** I.C.J. Reports, Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/92/7375.pdf>: 1-84.
8. **Freestone D. (2011).** Advisory Opinion of the Seabed Disputes Chamber of International Tribunal for the Law of the Sea on "Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities With Respect To Activities in the Area". Available at: <http://www.asil.org/insights/volume/15/issue/7/advisory-opinion-seabed-disputes-chamber-international-tribunal-law-sea->.
9. **Council of International Seabed Authority. (2010).** Proposal to seek an advisory opinion from the Seabed Disputes Chamber of the International Tribunal for the Law of the Sea on matters regarding sponsoring State responsibility and liability, U.N. Doc. ISBA/16/C/6, Sixteenth session, Kingston, Jamaica, 26 April-7 May 2010. Available at: <http://www.isa.org.jm/files/documents/EN/16Sess/Council/ISBA-16C-6.pdf>: 1-13.
10. **Assembly of International Seabed Authority (2010).** Report of the Secretary-General of the International Seabed Authority under Article 166(4) of the United Nations Convention on the Law of the Sea. U.N. Doc. ISBA/16/A/2. Sixteenth session, Kingston, Jamaica, 26 April-7 May 2010. Available at: <http://www.isa.org.jm/files/documents/EN/16Sess/Assembly/ISBA-16A-2.pdf>: 1-38.
11. **Gautier P. (2012).** The International Tribunal for the Law of the Sea: Activities in 2011, Chinese Journal of International Law. 11: 523-539.

"صالحی، دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در حمایت از محیط زیست دریاها"

12. **Council of International Seabed Authority. (2010).** Decision of the Council of the International Seabed Authority requesting an advisory opinion pursuant to Article 191 of the United Nations Convention on the Law of the Sea, U.N. Doc. ISBA/16/C/13, Sixteenth session, Kingston, Jamaica, 26 April-7 May 2010. Available at: http://www.isa.org.jm/sites/default/files/documents/isba-16c-13_0.pdf: 1.
13. **Seabed Disputes Chamber of International Tribunal for the Law of the Sea (2011).** Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with respect to Activities in the Area. Advisory Opinion, Available at: https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_17/adv_op_01_0211.pdf: 1-76.
14. **Gao J. (2013).** The Responsibilities and Obligations of the Sponsoring States Advisory Opinion, Chinese Journal of International Law. 12: 771-786.
15. **Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay). (20 April 2010).** Judgment, I.C.J. Reports, Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/135/15877.pdf#view=FitH&pagemode=none&search=%22SearchArgentinavUruguay%22>: 1-97.
16. **Treves T. (2011).** The Jurisprudence of the International Tribunal for the Law of the Sea and Catastrophic Environmental Damage, American Society of International Law Proceedings. 105: 436-438.
17. **Rosenne S., Yankov A. and Grandy N (2002).** United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary, Vol. 4, Martinus Nijhoff Publishers, Dordrecht, Boston, London 759.
18. **Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Sulphides in the Area. (2010).** U.N. Doc. ISBA/16/A/12/Rev1, Available at: <http://www.isa.org.jm/files/documents/EN/Regs/PolymetallicSulphides.pdf>: 1-49.
19. **Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area. (2000).** U.N. Doc. ISBA/6/A/18, Available at: <http://www.isa.org.jm/files/documents/EN/Regs/MiningCode.pdf>: 1-22.
20. **Wiener J.B., 'Precaution' in Bodansky D., Brunnee J. and Hey E. (eds). (2007).** The Oxford Handbook of International Environmental Law, Oxford University Press, New York: 1110.
21. **Henley P.H. (2011).** Minerals and Mechanisms: The Legal Significance of the Notion of the "Common Heritage of Mankind" in the Advisory Opinion of the Seabed Disputes Chamber, Melbourne Journal of International Law. 12: 1-23.

"مجله ایمنی زیستی، دوره ششم، شماره اول، بهار ۹۲"